

خود به شمار می‌رفت.^۳ در منابع به سال تولد او تصریح نشده است. از آن‌جا که وی در ۲۱ محرم سال ۳۵۱ق. در نیشابور^۵ درگذشته و در این هنگام ۷۰ سال داشته است^۶، می‌توان تولد او را به سال ۲۸۱ق. دانست. وی فقه را نزد ابوحسین کرخی و ابوطاهر بن دباس^۷ و حدیث را در محضر ابوخلیفه فضل بن حباب و حسن بن سفیان فراگرفت.^۸ چندی در موصل و رمله عراق به قضاوت پرداخت^۹ و ۱۰ سال در منصب قاضی الحرمین بود.^{۱۰} به اعتقاد قرشی، قاضی الحرمین لقبی است که به او داده شد و افزون بر وی، خاندانش نیز با این لقب شناخته می‌شدند.^{۱۱}

او پس از دوری ۴۰ ساله از نیشابور، در سال ۳۳۶ق. به زادگاه خویش بازگشت و به سال ۳۴۵ق. عهده دار قضاوت این شهر شد.^{۱۲} علت

۳. الوافی بالوفیات، ج ۸، ص ۲۴؛ شذرات الذهب، ج ۴، ص ۲۶۹.
۴. العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۴۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۵-۲۶.

۵. الجواهر المضیه، ج ۲، ص ۲۴۹؛ اخبار ابی حنیفه، ص ۱۷۱.
۶. شذرات الذهب، ج ۴، ص ۲۶۹؛ العبر، ج ۲، ص ۲۹۶.
۷. اخبار ابی حنیفه، ص ۱۷۱؛ الجواهر المضیه، ج ۲، ص ۲۴۹؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۵-۲۶.

۸. العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۴۶؛ الوافی بالوفیات، ج ۸، ص ۲۴؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۶.

۹. العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۴۶؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۶، ص ۵۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۶.

۱۰. تاریخ الاسلام، ج ۲۶، ص ۵۰.

۱۱. الجواهر المضیه، ج ۲، ص ۲۸۲.

۱۲. العقد الثمین، ج ۳، ص ۱۴۶.

اشاره کرد.^۱ او به سال ۴۴۶ق. در ۸۲ سالگی درگذشت.^۲

◀ منابع

الانساب: عبدالکریم السمعی (م. ۵۶۲ق.)، به کوشش عبدالله عمر، بیروت، دار الجنان، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ کشف الظنون: حاجی خلیفه (م. ۱۰۶۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نیشابور: ابراهیم بن محمد الصیرفینی (م. ۴۱۰ق.)، به کوشش خالد حیدر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

سید مجتبی حسینی



احمد بن محمد نیشابوری: قاضی

حرمین در سال‌های پس از ۳۲۶ق.

ابوحسین احمد بن محمد بن عبدالله نیشابوری از بزرگان مذهب حنفی در دوران

۱. المنتخب من کتاب السیاق، ص ۱۰۲.

۲. المنتخب من کتاب السیاق، ص ۱۰۲؛ تاریخ الاسلام، ج ۳۰،

ص ۱۲۲؛ الوافی بالوفیات، ج ۷، ص ۱۵۸.

بازگشت وی به نیشابور دانسته نیست. او به نشر دانش اهمیتی ویژه می‌داد تا آن‌جا که به گفته بزرگانی مانند ابواسحاق شیرازی، فقیهان حنفی نیشابور از شاگردان او و ابوسهل زجاجی به شمار می‌آمدند.^۱ حاکم نیشابوری در گزارش اخباری از احمد بن محمد نیشابوری، به نقل از ابوبکر ابهری، از بزرگان مذهب مالکی، احمد را فقیه‌ترین دانشور خراسان دانسته است.^۲

فرزندان وی نیز تا چند نسل منصب قضاوت را بر عهده داشتند؛ از جمله قاضی ابونصر بن قاضی ابوحسین بن قاضی ابوالقاسم که همگی به ابوحسین قاضی الحرمین نسب می‌برند.^۳

۴۰۶ق؛ العبر فی خبر من غیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش المنجد، کویت، مطبعة حکومه، ۱۹۸۴م؛ العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفاسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش فؤاد سیر، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ المنتخب من کتاب السیاق لتاریخ نیشابور: ابراهیم بن محمد الصریفینی (م. ۶۴۱ق.)، به کوشش خالد حیدر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

سید مجتبی حسینی



احیاء اللیل ← شب زنده‌داری

اخبار دار الهجره: از منابع تاریخ

محلّی مدینه در سده ششم هجری،
نوشته رزین بن معاویه عبدری سرقسطی
اندلسی (م. ۵۲۴ق.)

اخبار دار الهجره از کتاب‌های تاریخ محلی، با تأکید بر فضیلت‌های مدینه، آگاهی‌های مربوط به مکان‌ها، مساجد مدینه، توسعه‌های مسجدالنبی و گزارش‌های متنوع تاریخی را در بر دارد. تنها آگاهی‌های اندکی از کتاب بر جای مانده و اصل آن گویا گم شده است.

ابوالحسن رزین بن معاویه بن عمار عبدری سرقسطی اندلسی مالکی از محدثان اندلس و

← منابع

اخبار ابی حنیفه: حسین بن علی الصیمری (م. ۴۳۶ق.)، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۰۵ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۱۰ق؛ الجواهر المصیبه فی طبقات الحنفیه: عبدالقادر القرشی (م. ۷۷۵ق.)، میر محمد کتب‌خانه، کراچی؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ق؛ شذرات الذهب: عبدالحی بن العماد (م. ۱۰۸۹ق.)، به کوشش الارنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر،

۱. اخبار ابی حنیفه، ص ۱۷۱؛ الجواهر المصیبه، ج ۲، ص ۲۴۹.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۶، ص ۲۶؛ العقد الثمین، ج ۲، ص ۱۴۶؛ العبر، ج ۲، ص ۲۹۷.

۳. المنتخب من کتاب السیاق، ج ۱، ص ۲۱۲.